چنین کنند بزرگان

یک و کیل، پژوهشگر، شاعر، ورزشکار بازیگرونمایندهسابق چطورخانوادهای دارند؟

علی پاکزاد| تا حالا دیدهاید که برخی فکر می کنند نتی در یک طبقه خاص اجتماعی هستند، زندگیشان وقتی در یک طبقه خاص اجتماعی هستند، زندگیشان متفاوت تر از دیگران است. البته عکس آن هم صادق است. اینکه بدانیم بسیاری از آسیب ها معلق است. اینکه بدانیم بسیاری از آسیب ها و اتحرافات اجتماعی که گریبان بخش عمدهای از خانوادها را می گیرد، می تواند در خانواده یک سیاستمدار، یک هنرمند، یک حقوقنان، یک شاعر و…نیز نمودداشته

پذیرش این قاعده که رفتار انسانی فارغ از تمام ارادهها ت، یکاصل مسلم و بدیهی اس سادیت می در ام و بر نامه ریزی بیرای زندگی می تواند چارچوپهایی یکسیان بیرای همکان باشید.اما آیا تا به حال فکر کردهاید که شـوهر یـک نماینده مجلس می تواند غیر تی باشـد؛ آیا فکر کردهاید یک حقوقدان بگویدمن پدر بدی بودهام؟ آیا تابه حال شنیدهاید که یک . ر ... هنرمنداز مشکلات خانوادگیاش حرف بزند و راههای برون رفت از آن رابا توجه به تجربه شخص خودبرای دىگ ان باز گوكند؟

ر رن. ر جدای از ایــن موضوعات، حتمــا در محیــط اطراف ب مونههای موفق رفتار با فرزندان بر خور دهاید. حتما والدینی را دیدهاید که به جای دلسوزی برای خود و شکایت از زمانیه و بهانه جویی از موقعیت و ناسپاسی نســبتبه زندگی، درحــال گذراندن پــک زندگی خوب و رضایت بخــش هســتند. رابطهشــان با فرزندانشــان ورصایت بست هستند را بستسی برای در در در مایتمند خوب است، به آنها اطمینان دارند، با نگاهی رضایتمند به آنها مینگرند، از موقعیت خبود راضی هستند و نسبت به داشتههای خود سپاسگزارند. والدین موفق، خواستههای فرزندشاُن رامیشناسُند. هم می توانند جــدی و قاطعانه برخــورد کنند، هــم توانایــی نرمش و انعطاف را دارند. مى توانند بابچەھايشان حرف بزنندو به انعطای را دارند. هی توانند با پچههایستان حرف بر صدو طرز حیرتانگیزی توانایی فرزندانشان را میشناس و براســاس آن، نه کمتر و نه بیشــتر، از آنان مســئولی

اًید فرزنــدان ایــن خانوادههــا را هــم دیدهایــ نگاههای مهربان و همراه با امنیت آنها به والدین از همه خصوصیاتشانبارز تر است،احساس امنیتی که در پس این اعتقاد دلگرم کننده وجود دار دواز این باور می آید که: امن ارز شمندم وبرای والدینم عزیز ومورد احترام هستم. آنهادوستم دارندوبرای حرف هایم ارزش قایل می شوند.» در رفتار فرزندان این خانوادهها نه ترس و اطاعت دیده می شود، نه گســتاخی و لجبازی. حرفهای والدین را به خوبی گوش می کنند و نسبت به امور زندگی دلسوز و همراهاند. به زحمات والدین توجه دارند و سعی می کنند مسئولیتهای خود را به خوبی انجام دهند. به راســتی در چنین خانوادهای سختیهای روزمره و سنگینی بار زندگی، قابل تحمل تر و آسان راست. پدری که می داند فرزندان قدر کاراورامی داننددلگرم تر کارمی کند.مادری کرد که میداندفرزندان او سپاسگزار زحمات او هستند، راضی ترفعالیت می کند.اگر هم مشکلی پیش بیاید،افراد خانواده، حمایت همدیگر را دارند و با هم و در کنار هم با

با این همه ما در جامعهای زندگی می کنیم که دامنه ریاکاری برخی از انسان ها از حد گذشته است و مرز میان راست و دروغ رابه راحتی نمی توان مشخص و مشاهده کرد.اماهنوزبارقههاییازامیدوکرامتانسانیوجوددارد عرصه صور پر ده دین ارد و به ما نهیب میزند که در ادامه مسیر زندگی خود مستی نکنیم. آنچه در پی می آید گپوگفتهایی فارغ از مناسبات و تعارفات رایج بین گروههای اجتماعی است. محلی است برای بیان در دها و

بهمن كشاورز احقوقدان

در خانواده گاهی مادر باید کارهای پدر را انجام دهد

مدل زندگی خانوادهها در همه جای دنیامتغیر است. امااین که زن، شوهُر یافرزندانُ در یک ُخانواده در چه موضعی قرار می گیرند، برمی گرددبه چندین عامل مختلف که سطح طبقاتی خانوادهها، ، میزان آگاهی و تحصیلات اعضای خانواده نقشــی کلیدی را در ین جایــگاه دارد. اما چندین عامل گوناگون باعث میشــود که بک زندگی مشترک دچار بحرانهای گوناگونی شود. برخوردار ر خانواده حفظ کند.



ام طبيعي قلميداد ميشودين و شوُهرهر كدام بعداز تشكيل دادن يك خانواده موظف هستند تا یکسری .. ولیتهای مرتبسط بسا زندگی مشتر كُشان رابه دوش بكشند . مُعمولا مشتر بسس ربه بود. نیز در جامعه ما به گونه ای بوده است

در اداره خانه و مســـئوليتُ فُرزندان، مادر نقشُ مَهمُى رابازى می کند و مسائل اقتصادی و معیشتی هم به عهده پدر خانواده

معمولا ساختار خانوادهها درايران به گونهای است که دختران روابط عُاطفی بهتَری با مادران و پُسّران نیز روابط مطلوب تری با پدر خانواده دارند. (هر چند این موضوع همواره این گونه نبوده ستوگاهی هم دختران نزدیکی بیشتری به پدر انشان داشته اندو است و کاهی هم دختران بزدیدی بیشتری به پدرست ن دست. گاهی نیز بر عکس بودهاست). اما اگر از نظر شخصی به این موضوع نگاهی بیندازم باید بگویم که مسئولیتهای خانه و فرزندان می ـرم بوده اسـت و این بار را در طول زندگی



به نحو احسن همسرم بر دوش کشیده که جا دار د این جا تشکر

نیچگاه در طول زندگی حرفهای و فعالیتهای اجتماعی که بروده بسیب پدر بیده یی در حد بروده با سی طور سی و به موقع در خانه نداشته ام، به نوعی واعظ غیر متعظ بوده، اگر کوتاهی سرز ده،قصور بوده اما تقصیر نبوده است. اگر وظیفه امرا به نحُواحسنُ اُنجام ندادُه اُم در عوض هُمسُرم این کار را اُنجام داده و جای خالی مرابه خوبی پر کرده است.

توصیه آی که شاید در این میان جا داشته باشد که ابراز کنم تأکید به جوانانی است که قصد تشکیل خانواده را دارند. آنها باید بدانندشــرايط تجرد بابعداز ازدواج به كلى تُغييرُ مَى كند شرط ىجردى بودەدىگر درزندگى مشترك وجودندار داماموضوع مهم ين است كه شــرايط را به خوبي بپذيريم و در قبال آن هم صبور

شهربانواماني فعال سياسي

م**ی گفتندشُوهرمبیغیرتاست!** فرزندان هر خانواده بالرزش ترین میراث آن خانواده ه فرزندان، پدرومادر تشكيل دهنده يك خانواده هستنداما كساني م كەبدون فرزند و با قبول فرزُندخواندە ھم بس بوشحالند و به لحظاتی که کنار هم هس تعاُريف زيبارُ ابد نيست كه كمي ُكنار گذاريم وبه اصل حال و روز حارید رہ. ر جامعہوجایگاہخانوادہھادرشھرمانبپردازیم

میلیاردها تومان در سال تصویب برنامهای برای کاهش آسیبهای ر فرهنگی داشته باشند چطور است ما در کشور نزدیک به ۳۰ نهاد فرهنگی داريم امُا خروجي أنها أمار طلاقي

رین ست که امروز مشاهده می کنیم. واضح است که یک جای کار مے النگد و درست کر دن آن هم، کار دَيروز، امروز و فردانيست. من زمان ازدواج ُخودم راً به خوبي به يادُ دارم. زمان جنگ و انقلاب بود. همسرم به من پيشنهاد ازدواج داد و ۱۰۰ تومان پول نقد بود. آن زمان یک جلد قرآن مجید و ۱۰۰ تومان پول نقد بود. آن مبلے هماکنون برای من باارزش اُست و همان زمان هم همین گونه بود. به یــاد دارم کل مخارج عروســی من در آن زمان ۳هزار تومان بود که هزار و ۶۰۰ تومان رر کی جاتی ہے ہو ہے۔ آن حلقهای بود که برای همسرم خریدہ با همسرم قرار گذاشتیم تازمانسی که می توانیم در کنار هم با آرامسش زندگی کنیم واگر هم غیر از این پیش رفت به راحتی از هم جدا شــویم. تکلیفمان را از روز اول با هم روشن کردیم، قرار بر این بود که بافعالیتهای را از روز اول با هم روشن کردیم، قرار بر این بود که بافعالیتهای اجتماعی یکدیگر کنار بیاییم وبهراحتی یکدیگر را بپذیریم که تا امروز هم همین گونه بوده اختلاف سلیقههای بسیاری را هم در

طول زندگی با یکدیگر داشتیم که این اختلافات باعث نمی شد که زندگی مشتر کمان رادچاربحران کنیم البته اختلاف سلبقه د. همه :ندگ ها قابل مشاهده است. اوایل انقلاب بود که در ارومیهٔ نزد پدُرشوهر و مادرشوهرم زندگی می کریره و دو دخترم به دنیا آمده بودند و من خیلی سریع آنها را به مهدکودک فر ســـتادم. به گونهای که یکی از آنها ۴۵ روزش بود و دیگری نیز ۱۳ماه بیشتر نداشت که راهی مهدکودک شدنند ر ندانم هرچه می گذشت با محل زندگی شــان که ارومیه بود فرزندانم هرچه می گذشت با محل زندگی شــان که ارومیه بود بیشتر اخت می شدند اما شــرایط زندگی برای من و پدر خانواده

تغب کردومی نمایندهمجلس ومحبور به ترکشهرار ومیه شدم

گرفت. در ابتدا افرادی در ارومیه همسر مرا نصیحت می کردند

-چندینمشکل عظیم برای من و خانوادهام شکل

دست همه باشد و در جیب هر نامحرمی چهره همسر شما دیده شود مشکل دیگرم نیز در زمان مهاجرت از ارومیه به تهران بود كەفرزندانمننمىپذىرفتندشهرشان راترك كنند روزهادچار ے طررحس سے بھی پیر مصطبع پر سیارہ عرف عصد اروردے پر افسردگی شسدہ بودند و زندگی در تھران راقبول نمی کردند.اما تمام این مشکلات را پدرخانوادہ باصبر و متانت به خوبی حل کرد وباعث شد که من هم کارم در تهران را به خوبی انجام دهم. درسی که من گرفتم این بود که قرار نیست همان گونه که همه زندگی می کنند من هم زندگی کنم در خانواده گاهی نیاز است که پدر کارهایمادرراانجامدهدو گاهی نیزبرعکس باش اجهانگیر الماسی ا بازیگر ا

که نباید اجازه بدهد همسرش به مجلس برود آنها می گفتند:

مگر شمابیغیرت هستید که اجازه میدهید عکس هم

براىخوشبختىخانوادهامسال هاست . نقش بازی می کنم

همه ما انسان ها زندگی می کنیم. اغلب هم در طول شبانه روز کارهایی داریم که باید آنان را به سرانجام برسانیم. عمدتا هم در قبال کارهایمان به دنبال بهترین نتیجه هستیم. اما تا چه حد این نتایج به مذاق ما خوشایند است، جای سوال دارد. نقشهای زیادی را هم بـــازی می کنیم بعضی هامانند من به مُعنای واقعی ر قص کرد. کلمه شغل شان، نقش بازی کردن است. اما هستند افرادی که ناخواسته نقش بازی می کنند که این هم به ما ربطی ندارد. بگذارید نقششان را بازی کنند. همواره از من سوال می کنند که . رو ر کی کی در ارک شماهممانندنقشهایتان در فلان سریال یافیلم سینمایی رفتار می کنید؟ گاهامردم صحنهای از فیلمهایی که بازی کرده ام را در ی ... ذهن دارند و با توجه به دیده خود سوال میپرسند که آیا تکهای از نقــش خاصی که در پس از باران داشـــتهاید در خانه نیز همراه

شُماست؟همیشههمٔجُوابُمُنُنهاست. اما برای این(نه) محکم سـعی می کنم پاسخی منطقی ارایه دهم، که هر نقشی فقط برای من نقش است و بعداز ترک محل فیلمبرداری دیگر سنُخیت یا پیوندی بین مُن و آن نقَش وجود ندارد. زیرااعتقاد دارم برای داشتن یک زندگی مثبت باید بوضوعات پیرامونی که در اطراف ما وجود دارد را از هم جدا کرد. خانواده، کار و فرزندان، هر کدام از اینها نیاز به رسیدگی خاص خودش را دارد به این معنا که نباید فضای حاکم بر هر کدام از آنها تداُخلی بادیگری داشته باشد من عمدتادر خانه که هُستم سُعی -می کنم رفتاری از خودبروز بدهم که برای اُهالی خانه دلچ. ی ۱/۱ رکور را کرارر. ۱/۱ برای کی و دلنشین باشد زیرا عملکرد متناسب در فضای خانواده باعث تحکیم و اســتواری روابط بین اعضای خانواده و اعتماد دو طرفه

دیگران کمی عجیب است من روزهایی در خانه لباسهای فرزندانم رامرتبمی کنم وظرفهارامی شویم، یا این که خانه را تمییز می کنم. البته ایسن کارهار ااز روی اجبار انجام نمی دهم بلکه سعی ام بر این است

که از این لحظات لذت ببرم. روزهایی به میــدان ترمبار می روم و خريد خانه راانجام مى دهم مواقعي هست كه همسرم مايل است که کل خانواده سوار اتوبوس شــویم و از این موضوع لذت ببریم. اینجا باز هم به مزیت نقش آفرینی می رسم آ یا در هر حیطهای نقشی که سازنده است را بازی کنیم. من برای ۔ ' ر' ر' ۔ ۔ ' ک خوشبختی خانوادہام سال ھاست نقش بازی می کنم که تاثیر ش را تاامروز دیدہام و آن ھم حفظ بنیان خانوادہام بودہ است.

یک تجربهشخصی:چرا تجردراانتخاب کردم؟ یک تجربهشخصی:چرا تجردراانتخاب کردم؟ جامعه ایرانی در ۵۰سال اخیر دچار تغییرات زیادی شده است. تغییراتی که گاهی به سود جامعه بوده و گاهی آن را متضرر کرده

است. اما سوال اساسی این جا شــکل می گیرد که زنان ما در این نقشی داشـــتهاند و از این بعد چه نقشی را خواه: داشتُ؟ بانگاهی مختصر به عملکُرد زنان ایرانی در ۴۰ یا ۵۰ سال اخیر می توان به این نتیجه رسید که زنان ما تا چه حد توانستهاند تهای خودرا حفظ کنندیا تا چه مقدار با تجددو زندگی

Will

جواب این ســوال را تا حدودی از مدل زندگی امروز ما در جامعه و آمار طلاق هایی که اعلام می شودمی توان ، ی ر ۱۰۰۰ تخمین زد. در این میان بد ند جاهای دیگر دنیا مقایس

بتوان نتیجه مطلوبی را گرفت. جامعه کنونی ایران درحال گذار است و این گذار از سنه مدرنیته ضربات زیادی را به زنان ما در ایران زُده است. هُمُسران ما در یک زمان هم می توانند یک زن کاملاسنتی باشند و در همان موقع یک بانوی استقلال طلب و کاملامدین هم باشند. اما به باور برخی، این دو باهم در تضادند، هر چند شاید از نظر زنان مااین دو باهم در تضاد نیستند واز نظر آنها کاملاطبیعی به نظر می رسند. این در گیری حکایت اُز زندگی امسروز زنان ما و تاثیراتش در خانوادههایمان دارد که خودمن هم بااین موضوعات در گیر بودهام

و تحملش برایممقدور نبودوزندگی جداگانه راانتخاب گردم. خیلی جالب است شسما نمی تولیـــداز یــک زن ایرانی این درخواست را داشته باشـــید تا بیوگرافی خودش را بنویسد و در ر ر ر کی ر بر از ر بر ر کی را ر کی را ر دند. او اختیار شــماقرار دهداما پائولاو ایزابل آلنده این کار را کردند. او پائولاراخطاب به دخترش نوشت چراکه معتقد بود پائولا همیشه دُوسُتُ دارداز زندگی خَاتُوادُهاش بِاخْبر باشد. ۱۳سُلُ پس از آن کتاب،آلنده ادامه سرگذشت خانواده را باز هم خطاب به دختر ش

پائولامىنويسدو آن را «همه روزهاى ما «مى نامد. من قصد ندارم زنان این مرز و بـوم را مورد نقد قرار دهم فقط نظرم را درباره علل مشـکلات اخیری که در بیشتر خانوادههای مارخ داده، بیان کردم. نظر بنده در این باب عدمآ گاهی مردان و ری ... زنان درباره حقوقی است که دارند. برخی از زنان ما امروز هم مهریه مى خواهند، هم نفقه، هم استقلال، هم گذرنامه، هم مال و اموال مردان ُرامى خواهندمگراين گونه امكان دارد ُ؟!

عبدالحبار كاكاني أشاعرا صلحطلب در خانواده اما به شرط!

شعر و شاعری را خیلی دوست دارم. زیرا اگر تنها مساله ای در زندگی من باشد که مرا از معضلات زندگی و این روزمر گیها که اکنون با آنها در گیر هستم، جدا کند همین موضوع است. البته طبیعی هم است هر کسی در هر حوزهای که فعالیت می کند قطعا تبحر داردواز قبال آن هم لذت می سرد و برای من هم شاعری تنها کاری است که در این دنیا می توانیم به نحو احسن انجام دهیم. اما تمام زندگی ما حسوزه کاری و موضوعاتی که در قبال آن لذت مى بريم، نيست. زندگى قسمتهاى مهم ترى دارد که یکی از مهم ترین آنها خانواده است که امروز تا حد زیادی جایگاه خود را در جامعه مانسبت به دیروز، گم کرده ا عقیده دارم نسل به نسل تربیت خانواده ها به یکدیگر انتقال پیدا

براز خاطــرات مختلف و مکانهای مختلفی اســت که با پــدر و مادرم گذراندهام. پدرم اکثر انظرش این بود که من بیشتر وقتم را در محیطهای

کمن بیشتر وقتم را در محیطهای کمن بیشتر وقتم را در محیطهای کمن بیشتر وقتم را در محیطهای موضوع نیز در تربیت و شسکل دهی زندگی من تأثیر بسسزایی داشت. همین آمیزههایی را که یاد گرفتم به فرزندانم هم انتقال

دادهام اما آنها تاحدی پذیرفتهاند و تاحدی هم برایشان قابل قبول نبود. فرزندانم مایل هستند موضوعاتی که از نظر خودشان بتر است را دنبال کنند. علایق و نظراتم را به فرزندانم غالب نمی کنم در صورتی که پدرم هم مرا آزاد گذاشت تا

بروم به دنبال مسائلی که فکر می کنم، علاقه دارم. مشکلات هنگام زندگی برای همه به وجود می آیداما چگونگی واکنش به آن هم بسیار اهمیت دار د. برای فرزندان من هم مانند تمام انسان های این کره خاکی مشکلاتی به وجود آمده اما نوع نگرش والدین در این میان پراهمیت است من به شخصه فکر می کنم که هریدری در مواجهه با مشکلات فرزندانش در اولین م خود را جای فرزندش و دقیقا در همان سن و سالی که برانده است، قرار می دهد که این نوع نگاه ۳۰ در صداز ماجرا ر را دربرمی گیسرد و ۷۰درصد ماجرا، در ک حال و هوا و شسر ایط امروزی است که جوانان مسابا آن در ارتباط هسستند. همواره صلّحُ طلبی را در اولویت رفتار م با خانواده در نظر گرفته ام اماً نُه به گونه ای که افسار زندگی از دستانم خارج شود، به گونه ای که احساس آرامش در زندگی به خوبی حس شود و بنیان خانواده

کریم باقری | مربی فوتبال | گاه بهترین آموزه هاهم برای فرزندان تاثیر گذار نی

این روزهاطبیعی زندگی کردن هم نوعی هنر است. در دورهای زندگی می کنیم که در جامعه ما هیچ چیز سر جای خودش رفتارهای عجیب و وارونه مد شده است. بر سنتی بودن زندگیها تأکیدندارم اما به استاندار دهای زندگی پایبنده مردم شهرســـتانها، بهخصوص آذری زبانها بر سنتها و ادب مردم شهرســتانها، بهخصوص آذری زبانها بر سنتها و ادب و احترام بین والدین و فرزندان تأکید بســیار زیــادی دارند. به گونسهای که اگسر شسما، آن گونه که

می خواهند رفتار نکنیده آین رفتار خلاف عرف تان می تواند عواقب فراموش نشدنی به بار بیاور د. رمانی که فوتبالم را شروع کردم سختیهای زیادی را متحمل شدم.

ازیک جهت عاشیقانه دوست داشتم . فوتبال بازی کنم و از جهت دیگر اعضای خانواده اصرار داشـــتند نرسم را بخوانی پیونداین دو و جلو بردن درس و فوتبال کار سختی به انجام أن بودم أما اين مرحله هم پايان يافت و من به دل فوتبال کشــور راه پیدا کرده و برای خودم دیگر کسی ...ده بودم. با این حال تمام نکاتی که مادر و پدرم به من گوشزد

کرده بودند در هر بازی یا هر تمرین در ذهنم تکرار می ش موزش پدر من تا حدی سختگیرانه بود که گاهی در طول زندگی حرفه ایم، اگر قصد کاری را داشت به با ترس به سراغ اُن میرفتی، ترس از این که انجام این کار اتفاق ناگواری را رقم بزند. همین سختگیریهای پدر م باعث شد در زندگی شخصی ام نیز به پیشنهادات واهی گوش ندهم، این پیشنهادات به ویژه زمانی که در حرفهام آدم موفقی شدم بر تعدادشان افزوده شد. خیلی از دوستانم هم در همین فوتبال با پذیرفتن این پیشنهادات زندگی خانوادگی خود را به خطر انداختند و به مرز نابودی

رسی عرب بی سور ۱۰۰۰ سر ۱۰۰۰ کشاندندهمه مانمونههایی از آن را سراغ داریم. بعد از این که پسرم به دنیا آمد، همواره استرس این را داشتم که مبادا پیشنهادات یا اتفاقاتی که برای من افتاده است برای . پ. پ. په کار کار ده این این استرس پسـرم هم رخ بدهد و خدای نکر ده او نیز بپذیرد. این اســترس و نگرانی از زمانی که شما خانواده تشکیل می دهید همراه شما هست تا زمانی که سرتان را به زمین بگذارید. هیچوقت نمی توان مطمئن بود فرزندان همان تصمیماتی را می گیرند که شــما یا پدرتان گرفتهاید بلکه افرادی هستند که از بهترین آموزهها برای تربیت کودکانشان استفاده می کنند، اما نتیجهاش چیزی که ميخواستنداز آبدرنمي آيد